

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۵

الزامات قانون گذاری در حوزه صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک

حسینعلی بای^۱

چکیده

ساماندهی وضعیت نگهداری، خرید و فروش، حمل و گرداندن حیوانات از جمله خلأهای قانونی نظام حقوقی کشور ماست. در طول سالیان اخیر در دوره‌های مختلف مجلس طرح‌ها و لوایح مختلفی برای رفع خلأ قانونی مذکور تدوین و به مجلس ارائه شده است. در این مقاله تلاش شده است ضمن تبیین رویکرد اسلام به این مسئله، ضوابط قانون گذاری در این باره با تأکید بر موازین شریعت و نیز اقتضائات اجرای قانون مورد بررسی قرار گیرد. علاوه بر این، رویکرد طرح‌ها و لوایح ارائه شده جهت دستیابی به راهکار مطلوب مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

ساماندهی حیوانات، حیوانات اهلی، حیوانات وحشی، سگ گردانی.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران.

مجلس شورای اسلامی از حدود یک دهه پیش در چندین نوبت به موضوع حیوانات ورود کرده است. نخستین بار در سال ۱۳۸۹ طرحی با عنوان الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی اعلام وصول شد. این طرح که در قالب یک ماده و یک تبصره بود، به امضای ۳۹ نفر از نمایندگان رسیده بود در ذیل ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ گرداندن حیوانات مضر، خطرناک و نجس العین را در معابر و اماکن عمومی جرم‌انگاری کرده بود و در موضوع نگهداری نیز در صورتی که نگه داشتن حیوان مزبور موجب ایذا و آزار دیگران می‌شد، اقدام به جرم‌انگاری نموده بود. در این طرح به تکثیر، پرورش و واردات و صادرات آن اشاره‌ای نشده بود.

در سال ۱۳۹۳ مجدداً طرح دیگری با همین عنوان (الحاق یک ماده به قانون مجازات اسلامی) با امضای ۳۲ نفر از نمایندگان اعلام وصول شد. این طرح که به ذیل ماده ۶۴۲ و با عنوان ماده ۶۴۲ مکرر به قانون تعزیرات الحاق شده بود، در یک ماده و چهار تبصره، نگهداری، گرداندن و معامله سگ و حیوانات مضر و خطرناک را جرم‌انگاری کرده و علاوه بر آن ترویج فرهنگ نگهداری از چنین حیواناتی را نیز جرم تلقی کرده بود.

بر خلاف رویکردی که در این دو طرح وجود داشت، در سال ۱۳۹۸ طرحی با عنوان ممنوعیت حیوان‌آزاری با امضای ۹۸ نفر از نمایندگان اعلام وصول شد. این طرح در قالب هشت ماده و شش تبصره رویکرد حمایتی از حیوانات داشته و آزار و اذیت حیوانات را جرم‌انگاری نموده بود.

اندکی پس از این طرح در ۱۹ خرداد ۱۴۰۰، هیئت دولت به موازات این طرح و همسوی با آن لایحه جامعی را تحت عنوان حمایت از حیوانات در قالب هشت فصل و ۵۹ ماده تصویب و در ۶ مرداد ۱۴۰۰ به مجلس ارسال نمود. این لایحه به موضوعات متعددی پرداخته بود. در فصل اول به تعاریف و کلیات؛ در فصل دوم به ساماندهی حیوانات زیانکار و وحشی؛ در فصل سوم به ساماندهی حیوانات اهلی؛ در فصل چهارم به ساماندهی حیوانات ولگرد؛ در فصل پنجم به ساماندهی حیوانات آزمایشگاه؛ در فصل ششم به حیوان‌آزاری؛ در فصل هشتم به نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های مجری و در فصل پایانی، سایر مقررات را تبیین کرده بود. پس از تغییر دولت، لایحه مزبور مسترد شد.

با توجه به استرداد لایحه دولت و ناتمام ماندن آن و در دستور کار مجلس قرار نگرفتن طرح‌های قبلی، سرانجام طرحی چهارماده‌ای با عنوان طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک (الحاق موادی به قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات)) با امضای ۷۵ نفر از نمایندگان، اعلام وصول شد و در دستور کار کمیسیون قضایی قرار گرفت.

مقاله پیش روی در دو بخش به نقد و بررسی طرح مزبور می‌پردازد.

۱. کلیات

۱-۲. لزوم ساماندهی به وضعیت حیوانات

طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک، چنان‌که در مقدمه آن است، اهداف متنوعی را دنبال می‌کند که برخی از آن اهداف، مهم و در خور توجه است. در اینکه باید وضعیت نگهداری، خرید و فروش، حمل و گرداندن حیوانات منضبط و قانونمند شود جای تردیدی وجود ندارد. در بسیاری از موارد از جهات متعددی می‌توان نگهداری حیوانات را محدود یا ممنوع کرد که از جمله مهم‌ترین آن موارد، می‌توان به ایذا و آزار دیگران اشاره کرد. گاه سر و صدای حیوانات در منازل مسکونی شهری به ویژه در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی موجب اذیت همسایگان شده و آسایش آنها را بر هم می‌زند. چنین امری، هم از حیث عرفی رفتاری قبیح و قابل مذمت است و هم از حیث شرعی، عملی حرام محسوب می‌شود. در روایتی از پیامبر اکرم نقل شده است که: «خَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الشَّرِّ شَيْءٌ الشَّرُّ بِاللَّهِ وَ الضَّرُّ لِعِبَادِ اللَّهِ؛ دو خصوصیت و خصلت است که بدتر از آن وجود ندارد اولی شرک به خداوند و دومی ضرر زدن به بندگان خداست» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۱). در حدیث قدسی دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «لیأذن بحرب منی من اذى عبدی المؤمن و لیأمن غصبی من اکرم عبدی المؤمن؛ باید اعلام جنگ با من [خداوند] بکند هرکسی که بنده مؤمنی را بیازارد و از خشم و غضب من آسوده و ایمن باشد کسی که بنده مؤمن مرا گرامی بدارد» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۰). در روایت دیگری از پیامبر اکرم نقل شده است: «من آذى جاره حرم الله علیه ریح الجنة ومأواه جهنم وبئس المصیر، ومن ضیع حق جاره فلیس منا؛ کسی که همسایه‌اش را آزار دهد بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد و منزل و جایگاه او جهنم است و چه بد جایگاهی است جهنم و کسی که حقی از همسایه خود را تزییع گرداند از ما نیست».

علاوه بر بحث آزار و اذیت، گاه نگهداری حیوان و یا حمل و گرداندن آن - به ویژه به شیوه کنونی - مشکلات بهداشتی به وجود آورده و سلامت افراد جامعه را به مخاطره می‌اندازد که این امر موجب مسئولیت مدنی نگهدارنده و مالک حیوان خواهد بود. ورود و حضور حیوانات به معابر و اماکن عمومی یا فضاهای مشترک مورد استفاده افراد متعدد، موجب بروز مشکلات بهداشتی و انتقال برخی از بیماری‌ها خواهد شد. چنین مواردی هر چند ممکن است گاه از مصادیق ایذا تلقی شود لیکن حتی بدون آنکه اذیت مستقیم و مشخصی را ایجاد کند اما نفس به مخاطره انداختن سلامت دیگران با قطع نظر از اینکه بالفعل موجب اذیتی و آزاری باشد یا نباشد، عملی ناپسند شمرده می‌شود و ضمان‌آور است. بسیاری از احکام شرعی که انجام آن خطرات جانی برای مکلف داشته باشد، یا به طور کلی برداشته می‌شود مانند روزه گرفتن که علیرغم اهمیت آن، به دلیل ضرر و حتی خوف ضرر وجوبش برداشته می‌شود و یا وضو گرفتن که برای سلامتی مکلف مضر باشد، تبدیل به تیمم شده و وجوبش منتفی

می‌شود. در برخی از روایاتی که در باب موجبات ضمان ذکر شده است، هر رفتاری که معابر صورت گرفته و دیگران را در معرض آسیب جسمانی قرار دهد، مورد نهی قرار گرفته و در صورت ایراد آسیب، مرتکب رفتار ضامن شمرده شده است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «کل من أضر بشيء من طريق المسلمين فهو له ضامن؛ هر کسی که به راه مسلمین آسیب برساند، ضامن است» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۲۴۳). در روایت دیگری که امام صادق (علیه السلام) آن را از پیامبر گرامی اسلام نقل می‌کند چنین آمده است: «من أخرج ميزابا، أو كنيفا، أو أوتد وتدا، أو أوثق دابة، أو حفر شيئا في طريق المسلمين فأصاب شيئا فعطب فهو له ضامن؛ هر کس ناودانی یا گودالی در میان راه مسلمین ایجاد کند یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد، یا چاهی در راه مسلمین حفر کند و کسی به آن‌ها اصابت کند و به زمین بیفتد، ضامن است» (همان، ص ۲۴۵). در روایت اول راه موضوعیتی نداشته و بلکه هر مکان عمومی و محل تردد یا تجمعی مشمول روایت است؛ چنان‌که در روایت دوم گذاشتن ناودان در میان راه، حفره چاه، کوبیدن میخ و امثال آن موضوعیت ندارد، بلکه معیار، انجام رفتاری است که دیگران را در معرض آسیب جسمانی قرار داده و سلامتی دیگران را تهدید کند و به مخاطره بیندازد. انجام چنین رفتاری - هر چه باشد - در مکان‌ها و فضاهای عمومی ممنوع و مرتکب آن ضامن صدماتی است که از ناحیه رفتار او به دیگران وارد شده است. از همین باب (لزوم پرهیز از هر عملی که سایرین را در معرض صدمه و تلف قرار می‌دهد) است که حتی صدمات ناشی از نگهداری حیوانات اهلی که نگه داشتن آن در جوامع قدیم و در محیط‌های روستایی و عشایری کاملاً مرسوم و پذیرفته شده بوده و بخش اجتناب‌ناپذیر زندگی آن جوامع و محیط‌ها تلقی و از نیازهای آن جوامع محسوب می‌شود، در روایات موجب ضمان دانسته شده است (ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ از ابواب موجبات ضمان). به عنوان نمونه در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) آمده است: «سألته عن بختی اغتلم فقتل رجلا، ما علی صاحبه؟ قال: علیه الدية؛ در مورد شخصی که به وسیله شتر چموشی به قتل رسیده بود از امام سؤال شد، حضرت فرمودند دیه برای مقتول ثابت است». همچنین در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «أنه ضمن القائد والسائق والراكب، فقال: ما أصاب الرجل فعلى السائق، وما أصاب الید فعلى القائد والراكب؛ حضرت کسی که حیوان را از عقب می‌راند (سائق) و نیز کسی که سوار آن است و شخصی که حیوان را از جلو می‌کشد (قائد) مسئول و ضامن می‌دانست». به این ترتیب که اگر حیوان با پا جنایتی وارد می‌کرد سائق را و اگر با دست جنایت وارد می‌کرد قائد و راکب را ضامن قرار می‌داد. غفلت و مسامحه در نگهداری از حیوان در موارد متعددی ضمان‌آور محسوب شده است (ر.ک: محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، ص ۲۴۰؛ علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال والحرام، ج ۳، ص ۶۵۷؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۳، ص ۱۳۸؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۶۸ و ۵۶۷؛ خویی، مبانی تکملة

المنهاج، ج ۲، ص ۲۴۷ تا ۲۴۹ و به تبع آن در قانون مجازات اسلامی ر.ک: محقق حلی، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، ص ۲۴۰؛ علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۳، ص ۶۵۷؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۳، ۱۳۸؛ امام خمینی تحریر الوسیله، ج ۲، ۵۶۸ و ۵۶۷؛ خویی، مبانی تکملة المنهاج، ج ۲، ص ۲۴۷ - ۲۴۹.

علاوه بر دو مورد پیش گفته، در مواردی نگهداری و به ویژه حمل و گرداندن برخی حیوانات در معابر و اماکن عمومی و تفریحی، موجب ایجاد رعب و وحشت برخی از اقشار جامعه شده و به نحوی مخل نظم عمومی است. هر رفتاری که موجب ایجاد رعب و سلب آسایش بوده و نظم عمومی را به هم بزند، حتی اگر فی نفسه ایرادی نداشته باشد از باب ثانویه ممنوع بوده و می تواند در حوزه جرم انگاری قرار گیرد. در موارد متعددی نیز مشاهده شده است که حیوانات مزبور اعم از اهلی و زینتی یا وحشی که در مکان های نامناسب و غیر ایمن نگهداری می شوند و یا به صورت غیر ایمن و بدون اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از سوی مالکان آنها حمل و نقل شده یا در اماکن غیر خصوصی گردانده می شوند، به شهروندان حمله کرده و موجب مرگ یا صدمات شدید بر شهروندان می شوند که در این صورت نیز بر حاکمیت لازم است به جهت برقراری نظم و ممانعت از ایراد آسیب به شهروندان، محدودیت هایی را در نگهداری و گرداندن حیوانات، اتخاذ نماید.

نکته دیگری که در این میان حایز اهمیت است، وظیفه حاکمیت در خصوص تأمین حق بر دین داری است. توضیح آنکه سگ علیرغم فواید متعددی که در موقعیت های مختلف دارد لیکن از نظر اسلام حیوانی نجس شمرده می شود. از این رو متدینین و جامعه دینداران - که اکثریت افراد کشور را تشکیل می دهند - ترجیح می دهند که با سگ هم محیط نشوند و از نزدیکی به آن پرهیز کنند. گرداندن سگ در معابر و پارک ها و یا حمل و نقل آن - خصوصاً با وضعیت فعلی - در داخل آپارتمان ها، مشکلاتی برای اقشار دیندار جامعه به وجود آورده و حق آنها را در استفاده آسوده از پارک ها، اماکن تفریحی و سایر مکان های عمومی، محدود می سازد. بنابراین از این جهت نیز ساماندهی نگهداری حیوانات به خصوص سگ ها ضروری به نظر می رسد.

نظر به جمیع مراتب فوق به نظر می رسد، سامان دادن به موضوع نگهداری و گرداندن حیوانات اعم از اهلی و وحشی و نیز زینتی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بدیهی است در این موضوع باید بدون افراط و تفریط و با عقلانیت گام برداشته و حتی الامکان در حریم خصوصی افراد مادامی که نظم عمومی یا بهداشت عمومی و سلامت دیگران را به مخاطره نینداخته و اسباب مزاحمت دیگر شهروندان را فراهم نساخته یا حقوق سایر شهروندان را محدود نسازد، مداخله - آن هم مداخله قضایی و به ویژه کیفری - صورت نپذیرد و در موارد نیاز به محدودسازی و برخورد نیز، این تدابیر باید به دور از برخوردهای تند و خشنی باشد که می تواند آثار مخرب بیشتری به دنبال داشته باشد.

۲-۲. نگاه اسلام نسبت به نگهداری حیوانات

در اسلام نه تنها از نگهداری حیوانات نهی نشده بلکه به نگهداری حیوانات به خصوص حیواناتی مانند کبوتر، خروس و گوسفند توصیه نیز شده است. در روایت صحیحہ معاویہ بن وهب آمده است که کبوتر از پرندگان پیامبران است^۱ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۷۶، باب ۳۱، ح ۱). در روایتی از رسول خدا نقل شده که فرمودند: «خروس سفید دوست من است و دشمن آن دشمن خداست؛ این حیوان صاحبش را و تا هفت خانه از همسایگان را پاسبانی می‌کند». (انس گوید) رسول خدا آن را شب‌ها در خانه خود نگاه می‌داشت. (طباطبایی، سنن النبی: آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، مترجم حسین استاد ولی، ج ۱، ص ۷۷). در روایت معتبر دیگری از معاویہ بن وهب از امام صادق (علیه السلام) آمده است که: «گربه از اهل خانه به شمار می‌آید و می‌توان با آبی که از آن نوشیده، وضو گرفت»^۲ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۴). از امام صادق (علیه السلام) در روایت دیگری نقل شده است که در خانه رسول خدا یک جفت کبوتر سرخ‌رنگ بود (همان).

مطابق برخی روایات، نگه داشتن حیوانات در منزل باعث دفع بلا و شیاطین می‌شود. حمیری در قرب الاسناد از امام باقر (علیه السلام) روایت می‌کند که: «پدرانم دوست داشتند تا در خانه حیواناتی مانند کبوتر، مرغ و خروس داشته باشند تا کودکان جنیان با آنها سرگرم شده و به بچه‌های ایشان کاری نداشته باشند»^۳. در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «مستحب است که کبوتری که دو بال آن زده شده است نگهداری شود که به آن انس گرفته شود و خطر حشرات یا موجودات موزی دفع شود»^۴ (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۷۶). در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمودند: «خانه هیچ پیامبری نبود مگر آنکه در آن کبوتری نگهداری می‌شد، زیرا سفیهان جن با بچه‌های خانه سر به سر می‌گذارند، اما وقتی کبوتر در خانه باشد با آنها بازی می‌کنند و به اهل خانه کاری ندارند» (همان، ص ۳۷۷؛ طباطبایی، سنن النبی: آداب، سنن و روش رفتاری پیامبر گرامی اسلام، مترجم حسین استاد ولی، ج ۱، ص ۷۷).

در برخی دیگر از روایات با بیان اینکه روزی حیوان بر عهده خداست بر نگهداری حیوانات خصوصاً حیوانات سواری یا حلال‌گوشتی مانند گوسفند ترغیب و تشویق شده است. از جمله در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «حیوانی را بخر، زیرا سود آن برای تو و روزی آن بر عهده خدای عزوجل است»^۵

۱. الحمام من طیور الانبیاء.

۲. عن ابي عبدالله (ع) فی الهمزة: «انها من اهل البيت ويتوضأ من سورها».

۳. كانوا يحبون أن يكون فی البيت الشئ الداجن مثل الحمام والدجاج ليعبث به صبيان الجن ولا يعبثون بصبيانهم.

۴. يستحب أن يتخذ طيرا مقصودا یأنس به مخافة الهوام.

۵. اشتر دابة فان منفعتها لك ورزقها علی الله عزوجل.

(حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۳۹، ابواب احکام الدواب، باب ۱، ح ۲). در روایت دیگری نیز آمده است: «از (نشانه‌های) سعادت‌مند بودن شخص باایمان، داشتن حیوانی است که برای برطرف کردن نیازهای خود بر آن سوار شود و با آن حقوق برادرانش را برآورده سازد»^۱ (همان).

با عنایت به تعداد فراوان روایاتی که در مورد جواز و بلکه استحباب نگهداری حیوانات شده است، ضعف سند برخی از آنها خللی در این موضوع ایجاد نمی‌کند. تنها نکته‌ای که در خصوص نگهداری حیوانات قابل ذکر است، این موضوع می‌باشد که علیرغم توصیه اسلام به نگهداری حیوانات - خصوصاً حیوانات حلال گوشت و یا حیوانات سواری - باید در نظر داشت که این توصیه‌ها، مربوط به محیط‌ها و زندگی‌های غیر شهری بوده و در صورتی است که موجب آزار و اذیت دیگران نشود.

از میان حیوانات تنها نسبت به نگهداری سگ - و با تنقیح مناط از آن، نگهداری خوک - در محیط زندگی انسان به نحوی که هم‌جوار با او باشد، نهی شده است. حکمت یا فلسفه این نهی به دلیل نجاست این حیوان است. لیکن باید توجه داشت نجاست این حیوان به معنای عدم استفاده از آن برای مواردی که منافع عقلایی دارد در روایات و فتاوی فقها نبوده و در موارد مذکور نگهداری این حیوان جایز است. نکته مهم دیگری که شایسته ذکر است، آن است که نجاست یا عدم جواز خرید و فروش سگ‌ها یا سایر حیوانات حرام گوشتی که منفعت عقلایی برای آنها متصور نیست، به معنای عدم تأمین حقوق حیوانات مزبور - که پیش از این ذکر شد - و نیز جواز آزار و اذیت آنها نبوده و نیست. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام که ناظر به مشاهدات ایشان در شب معراج است، چنین آمده: «زن بدکاره‌ای را در آنجا دیدم و درباره او سؤال کردم. پاسخ داده شد: او زنی است که در راه به سگ بسیار تشنه‌ای برخورد کرد و لباس خود را در چاه فرو برده و در حلق او چکاند و بدین وسیله تشنگی سگ را برطرف ساخت؛ و برای این کارش خداوند او را آمرزید» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۵).

۲-۳. حقوق حیوانات در اسلام

الف - حق حیات

به تصریح فقها (علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۰۹ و ۵۱۰؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۱۵، ص ۳۸۳). حیوانات همانند انسان‌ها از حق حیات برخوردار هستند و کشتن آنها حتی اگر آن حیوان به ظاهر منفعتی هم نداشته باشد به شدت نهی شده است. در روایتی از پیامبر اکرم آمده است: «هر حیوانی - پرنده یا جز آن - که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد»^۲ (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۷۵). در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام)

۱. من سعادة المؤمن دابة يركبها في حوائجه ويقضى عليها حقوق اخوانه.

۲. ما من دابة - طائر و لا غيره - يقتل بغير الحق إلا ستخاصمه يوم القيامة.

آمده است: «کثیف‌ترین گناهان سه گناه است: کشتن حیوان بی‌زبان، ندادن مهریه زن، و نپرداختن مزد کارگر»^۱ (نمازی، مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۱۴). چنان‌که در ادامه خواهیم دید نه‌تنها قتل حیوانات بلکه آزار رساندن به آنها هم به‌شدت نهی شده که به طریق اولی کشتن آنها منهی عنه است. سید مرتضی (ره) در پاسخ به پرسشی در این باره تصریح می‌کند: «از آنجا که دلیل شرعی بر اباحه کشتن حیوانات غیرمودی و یا آنها که اذیتشان ناچیز است - مانند مورچه - نداریم، کشتن آنها جایز نیست» (رسائل المرتضی، ج ۲، ص ۳۷).

جالب است که بدانیم برخی فقها در ضمن بیان فرعی اشاره نمودند که اگر برای خلاصی کشتی طوفان‌زده، مجبور باشند که آن را سبک و وسایل درون آن را کم کنند و امر دائر شود به اینکه برخی از اشیاء را به آب اندازند و یا حیوانات موجود در کشتی را، در اینجا واجب است برای نجات جان موجودات دارای روح، وسایل دیگر را به آب اندازند و مادامی‌که نجات کشتی با انداختن این وسایل حاصل شود، به آب انداختن حیوانات جایز نیست (شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۱۵، ص ۳۸۳). جالب تر اینکه حتی در مواردی که صید حیوانات و پرندگان جایز و مباح است، جواز شکار در صورتی است که حیوان بتواند حداقل دفاع را از خود بکند و امکان فرار داشته باشد. لذا در صورتی که هنوز حیوان در سن نوزادی قرار دارد و امکان فرار و یا پرواز را نداشته باشد، باید از شکار آن پرهیز کرد. شیخ صدوق در این باره می‌گوید: «شکار نوزاد حیوانات از لانه‌هایشان در کوه یا چاه و یا نیزار تا زمانی که قادر به پرواز نباشند، جایز نمی‌باشد» (الهدایه، ص ۷۹ و نیز ر.ک: شیخ مفید، مقنعه، ص ۵۷۷).

ب- حق بر نفقه

نفقه و تأمین غذای حیوان، بر مالک آن واجب و کوتاهی در این زمینه گناه شمرده شده است. شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «زمانی که انسان مالک حیوانی باشد نفقه حیوان بر او واجب است، خواه حیوان حلال‌گوشت باشد یا غیر آن و خواه پرنده باشد و یا غیر آن؛ زیرا حیوان برای خود دارای حرمت و احترام است» (طوسی، مبسوط، ج ۶، ص ۴۷). شهید ثانی (ره) در این باره اضافه می‌کند: «رسیدگی غذایی به حیوانی که مشرف به مرگ است نیز واجب می‌باشد و اگر در این وظیفه کوتاهی کند گناهکار است» (شهید ثانی، الروضه البهیة، ج ۵، ص ۴۸۱). قریب همین مضمون را فقهای دیگری همچون محقق حلی در شرایع (محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۵۴) و ابن سعید حلی (الجامع للشرایع، ص ۴۹۱) فخرالمحققین (فخر المحققین، إیضاح الفوائد، ج ۳، ص ۲۹۰) و دیگران، چون صاحب جواهر (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵) ذکر می‌کنند. فاضل هندی در این مسئله ادعای عدم وجدان خلاف کرده است (فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۷، ص ۶۱۱). صاحب جواهر در بیان خود تأکید

^۱. أقذر الذنوب ثلاثة: قتل البهيمة، وحبس مهر المرأة، ومنع الأجير أجره.

می‌کنند: «چه بسا گفته می‌شود حیوانات دارای نفس محترمه‌ای می‌باشند و صاحب جگرهای تشنه هستند که باید سیرایشان کرد. همچنین اذیت کردنشان به وسیله تشنه نگه داشتن آنها حرام است. بلکه نفقه حیوان بر مالک واجب است که یکی از آنها سیراب کردنشان است. در احادیث متعدّد و معتبری نیز آمده است: «حیوان بر صاحبش حقوقی دارد که از جمله آنها رسیدگی به آب و غذای حیوان قبل از خودش است». به سبب دلایل مذکور، حیوان دارای احترام است و اگر امر بین وضو و رفع تشنگی حیوان دائر شود، باید آب را به حیوان داد و تیمّم نمود» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۵، ص ۱۱۵). شیخ طوسی (ره) در مقام تعلیل برای وجوب نفقه حیوانات تصریح می‌کند: «لأنّ لها حرمة؛ زیرا حیوان از احترام و حرمت برخوردار است» (طوسی، مبسوط، ج ۶، ص ۴۷). همچنین علامه حلی (ره) در کتاب اجاره می‌گوید: «لأنّ للحیوان حرمة فی نفسه؛ زیرا حیوان به خودی خود و ذاتاً از حرمت و احترام برخوردار است» (علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۰۷؛ و نیز ر.ک: حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۷، ص ۲۱۹ و ۲۲۰). جالب است که فقها وقف کردن برای غذای حیوانات را جایز دانسته‌اند با اینکه در وقف، هم قصد قربت شرط است و هم رجحان داشتن متعلق وقف. علامه حلی پس از تصریح به جواز وقف برای خدمت به کعبه و مرقد شریف پیامبر (ص) و سایر ائمه (ع)، حکم به جواز وقف برای علوفه چهارپایان با قصد قربت و در راه خدا تصریح می‌کند (علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۴۳۰).

ج- حق بر بهداشت و مسکن

مطابق آموزه‌های فقهی، یکی از حقوق حیوان بر مالکش، حق بر مسکن و بهداشت است. شهید ثانی در خصوص حق مسکن حیوان می‌نویسد: «بر مالک واجب است مکانی شایسته و مناسب با حیوان از قبیل طویله و اصطبل، برایش فراهم آورد گرچه از حیوان استفاده نکرده و یا مشرف به مرگ باشد» (شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۵، ص ۴۸۱-۴۸۲). همچنین صاحب جواهر در همین مورد تصریح می‌کند: «تهیه نیازمندی‌های حیوان، همچون محل استراحت که در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تغییر می‌کند، واجب است» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۵). در عبارت این فقیه سترگ، نه تنها به حق بر مسکن و مکان زندگی حیوان تصریح شده بلکه بسان نفقه همسر و سایر افراد واجب النفقه در تهیه مسکن عرف هر زمان و مکانی نیز ملحوظ شده است.

در متون فقهی، بر مالک حیوان، تهیه دارویی را که سلامت حیوان بر آن متوقف است واجب شمرده‌اند (شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۵، ص ۸۸؛ محقق بحرانی، الحقائق الناضرة، ج ۲۱، ص ۴۱۷). عبدالله بن سنان در حدیثی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «أغلّ گوسفندان را تمیز کنید و آب بینی صورتشان را پاک نمایید» (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۴۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۸). علامه مجلسی می‌گوید همین روایت در اکثر نسخه‌های کافی با لفظ «رغامها» ذکر

شده است. «رغام» به معنای خاک می‌باشد که در این صورت معنای حدیث این‌گونه می‌شود: گرد و خاک را از آنها پاک کنید و ظاهرشان را مرتب سازید (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۵۰). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «خدای متعال به کسی که جوی را - که می‌خواهد به اسبش دهد - پاک کند و سپس به او خوراند و حیوان را سیر کند؛ برای هر دانه جوی که تمیز کرده است، حسنه‌ای می‌دهد» (همان، ج ۶۴، ص ۱۷۷).

د- مصونیت از آزار دیدن

پیامبر اعظم (ص) در حدیث معراج نقل می‌فرمایند: زمانی که در شب معراج بر آتش جهنم گذر می‌کردم زنی را دیدم که عذاب می‌شد. از علت آن جويا شدم و سؤال کردم. در پاسخ گفته شد: او زنی بود که گربه‌ای را بسته و محبوس کرده و به او غذا و آب نمی‌داد و رهایش هم نکرد (تا برای خود غذا تهیه کند) و از آب و علف زمین چیزی بخورد تا اینکه مرد و جان باخت، پس عذاب او بدین سبب است^۱ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۳ - ۶۵). در روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «هر که گنجشکی را بدون دلیل بکشد، خداوند در روز قیامت از آن سؤال و مؤاخذه می‌کند»^۲ (کنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۷، ح ۳۹۹۶۹؛ نهج الفصاحة، ص ۵۹۷، ح ۲۹۱۸). همچنین در روایت دیگری فرمودند: «در دوزخ زنی را دیدم که گربه‌اش از هر طرف او را گاز می‌گرفت. علتش این بود که [در دنیا] آن حیوان را بسته بود و نه غذایش می‌داد و نه آزادش می‌کرد که خودش حیوانی را شکار کند»^۳ (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۰۲).

در آموزه‌های دینی و در فتاوی فقهای آزار حیوانات مانند بول کردن در حفره‌ها و لانه‌های آنها، به جنگ با همدیگر وادار کردن حیوانات، سوزاندن آنها، داغ کردن بدن آنها، سواری بی جهت گرفتن از آنها، و حتی دشنام و لعن کردن حیوانات مورد نهی قرار گرفته است (برای مطالعه تفصیلی این موارد و آشنایی بیشتر ر.ک، ابوالقاسم مقیمی، «حقوق حیوانات در اسلام»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۴۸).

تا اینجا روشن شد که آزار و اذیت جسمانی حیوان مورد منع و نهی واقع شده است. اما باید توجه داشت که علاوه بر رعایت حال جسمانی حیوان، توهین زبانی و لعن حیوانات نیز امر ناپسندی شمرده شده و در روایات متعددی به آن اشاره شده است. از حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در این باره وارد شده است: «به صورت چهار پایان نزنید و آنها را مورد لعن قرار ندهید؛ زیرا خدای متعال، شخصی را که

۱. عن النبی (ص) أنه قال: اطلعت ليلة أسرى بي على النار فرأيت امرأة تعذب، فسألت عنها، فقيل: أنها ربطت هرة و لم تطعمها و لم تسقها و لم تدعها تأكل من حشاش الأرض حتى ماتت فعذبها بذلك.

۲. من قتل عصفوراً بغير حق سأله الله عنه يوم القيامة.

۳. رأيت في النار صاحبة الهرة تنهشها مقبله و مدبرة، كانت أوثقتها فلم تكن تطعمها و لم ترسلها تأكل من خشاش الأرض.

چهارپایان را نفرین کند لعن نموده است»^۱ (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸). در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است که پیامبر گرامی اسلام به حیوانات سلام می‌کردند. امام صادق (ع) نقل می‌فرماید: روزی شخصی به همراه اسبش خدمت پیامبر اکرم (ص) آمده و به آن حضرت سلام نمود. پیامبر اکرم در جواب سلام آن مرد فرمود: «وعلیکم السلام» (یعنی سلام بر شما)؛ و جواب سلام آن مرد را به صیغه و ضمیر جمع دادند. آن مرد گفت: یا رسول الله! من تنها و یک نفر هستم. چرا شما جواب سلام مرا به ضمیر جمع دادید؟ پیامبر در پاسخ فرمود: سلام من بر تو و اسب تو بود (راوندی، النوادر، ص ۱۹۶).

ح- ضمانت اجرای عدم رعایت حقوق حیوانات

برخی از فقهای بزرگ بر لزوم مداخله حاکم شرع در مواردی که صاحب حیوان از ایفای حقوق حیوان خودداری کند، تصریح کرده‌اند. علامه حلی در این زمینه می‌نویسد: «اگر صاحب حیوان از انفاق بر آن امتناع ورزد، حیوان حلال گوشت بوده و قابل تذکیه باشد، حاکم او را بر یکی از این سه کار اجبار می‌کند: ۱. انفاق و رسیدگی به حیوان، ۲. فروش آن به دیگری، ۳. ذبح و تذکیه آن تا از گوشت آن استفاده شود. اگر مالک از انجام این موارد سر باز زد، حاکم زمین و یا شیء دیگر او را فروخته و برای حیوانش هزینه می‌کند و اگر ملکی نداشت که قابل فروش باشد و یا فروش حیوان بهتر باشد، آن را به فروش می‌رساند. اما در حیوانی که حلال گوشت نبوده اما قابل ذبح شرعی و تذکیه می‌باشد و مثلاً می‌توان از پوست آن استفاده کرد، دو نظر مطرح است که تنها اجبار بر انفاق می‌شود و یا او را مخیر بین انفاق و تذکیه می‌کنند که نظر دوم نزدیک‌تر به واقع است. و اگر حیوانی است که حلال گوشت نبوده و قابل تذکیه هم نیست، مجبور به انفاق یا فروش می‌شود» (علامه حلی، قواعد الأحکام، ج ۲، ص ۱۱۸ و نیز ر.ک: طوسی، المبسوط، ج ۶، ص ۴۷؛ الوسیله، ص ۸۷؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۲، ص ۳۵۴). کلام شیخ طوسی هر چند ناظر به غذای حیوان هست اما به تنقیح مناط در سایر موارد نیز می‌توان این حکم را ساری و جاری دانست.

آنچه در ذیل قسمت مربوط به «نگاه اسلام به حیوانات» بیان شد برای تبیین و روشن شدن نگاه انسانی و والای آموزه‌های اسلام به این مخلوقات بود. بنابراین اگر در مواردی از نگهداری حیوانی منع شده است، قطعاً به خاطر نگاه منفی به آن حیوان نیست چه اینکه آن حیوان نیز مخلوق خداوند بوده و در چرخه حیات وجودش مفید و ضروری بوده لیکن بنا به ملاحظات که بر ما پوشیده است، از نگهداری آن در محیط زندگی و همجوار با انسان نهی شده است و نجاست حیوانی مانند سگ و یا لزوم اجتناب از همزیستی نزدیک با آن، ابداً به معنای دشمنی با این حیوان و مبعوض بودن آن نیست. چه

۱. قال علیّ - فی الدوابّ. لاتضربوا الوجوه و لاتلعنوا؛ فإنّ الله لعن لاعنها.

اینکه خون هم در اسلام نجس است با اینکه حیات انسانی وابسته به آن است و همچنین منی که بقای نسل انسان وابسته به آن است، نجس شمرده شده است.

۲-۴. مداخله در امور خصوصی

بر خلاف آموزه‌های اخلاقی که گستره و شمول آن بسیار وسیع بوده و از خلوت تا جلوت و از درون تا برون و از فرد تا اجتماع و از ملک تا ملکوت را شامل می‌شود، حوزه مقررات فقهی محدود است و تنها بخشی از حوزه‌های زندگی بشری را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال بخشنده بودن یک فضیلت اخلاقی است که اگر کسی دارای این ویژگی نباشد، حکم فقهی خاصی ندارد و یا سوءظن داشتن به دیگران بدون اینکه هیچ بروز و ظهوری داشته باشد، یک ردیلت اخلاقی است که فقه برای آن حکم خاصی ندارد. همنشینی با فاسق اخلاقاً ممنوع و در فقه جایز است و یا دختر دادن به شارب الخمر اخلاقاً ممنوع ولی در فقه جایز است و عقد هم صحیح است. به همین نسبت فقه نسبت به حقوق دایره و گستره کمتری دارد. به عنوان مثال حج از لحاظ فقهی بر مستطیع آن واجب است. اگر کسی آن را ترک کند گناه کرده و اگر بمیرد مسلمان نمرده است. با این حال حقوق وارد این حوزه نشده است و نمی‌شود. اگر کسی در حال احرام مرتکب برخی ممنوعات شود باید کفاره بپردازد. بر مسلمانان خواندن نماز، صله رحم و... واجب است که حقوق ورودی به آن ندارد. یکی از مباحثی که حقوق به آن ورود ندارد و نباید هم ورود داشته باشد، مسئله طهارت و نجاست است. احکام طهارت و نجاست در فقه بسیار پر رنگ است. بله وقتی مسئله از حالت فردی بودن خارج می‌شود و مثلاً بحث داد و ستد هست، حقوق می‌تواند وارد شده و حکم صحت یا بطلان را مشخص کند که آیا داد و ستد خون مثلاً جایز است یا نه و همچنین معامله سگ و خوک جایز است یا خیر. اما اینکه چون نگهداری سگ در منزل از لحاظ فقهی به لحاظ نجاست سگ ممکن است مورد رضای شارع نباشد، امری کاملاً شخصی است؛ حتی شخصی‌تر از نماز خواندن یا نخواندن یک مسلمان و یا حج رفتن یا نرفتن یک مسلمان. لذا نباید در این امور مداخله‌ای صورت گیرد.

ورود به حریم شخصی و خصوصی افراد سیره ائمه نبوده و نمی‌توان شاهی بر آن یافت مگر آنکه این ورود صرفاً جنبه ارشادی و اخلاقی داشته و ورود غیرالزام‌آور حقوقی بوده است. بله در مواردی که انجام یک امر شخصی موجب آزار و اذیت دیگران یا تضییع حقوق آنها و به مخاطره انداختن جان و سلامت دیگران باشد، ورود قانون‌گذار لازم و ضروری است. در این موارد فرقی نمی‌کند که علت و عامل ایجاد اضرار و ایذا نگهداری حیوان نجس العینی مانند سگ باشد یا نگهداری حیوان زینتی مانند فنج و مرغ عشق و یا نگهداری حیوان اهلی مانند گاو و گوسفند یا مرغ و کبوتر و یا حتی اشیای دیگری مانند زباله یا مواد شیمیایی خطرناک. بنابراین در بحث نگهداری برخلاف حمل و نقل و گرداندن حیوانات -

که نوعاً در تزامن با حقوق دیگران بوده یا ناقض مسائل بهداشتی است - دلیلی بر ممنوعیت و محدودیت وجود ندارد مگر اینکه عنوان دیگری مانند ایداء بر آن مترتب شود.

۲-۵. تعارض با سیاست‌های کلان دیگر از جمله قضازدایی

در طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک جرم‌انگاری‌های متعددی صورت گرفته و در موارد زیادی مجازات‌ها از جمله مجازات حبس تشدید شده است. این حجم وسیع از جرم‌انگاری یا تشدید جرایم به هیچ عنوان به مصلحت نبوده و با سیاست‌های کلی قوه قضاییه، تکالیف و الزامات قانونی که در برنامه ششم توسعه برای قوه قضاییه ترسیم شده و همچنین با منویات و تذکرات در تضاد آشکار است. به موجب بند ۱۲ سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله ابلاغ‌شده توسط مقام معظم رهبری (ابلاغی ۱۳۸۸/۹/۲) قوه قضاییه مکلف به: «اتخاذ تدابیر لازم در استفاده از مجازات زندان با رویکرد حبس‌زدایی» شده است. همچنین در بند ۱۴ از قسمت مربوط به سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی که در ذیل سیاست‌های کلی نظام (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری) به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است (۵ آذر ۸۵) بر «بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان» تأکید شده است. بر اساس بند ج ماده ۱۱۳ برنامه ششم توسعه، قوه قضاییه مکلف به کاهش عناوین مجرمانه شده است. برخلاف چنین خط‌مشی درستی، متأسفانه حاکمیت درصدد حل هر مسئله‌ای از طریق کیفرگذاری است که رویکرد قابل دفاعی نیست.

۲-۶. عدم قابلیت اجرای این قانون

یکی از نکات مهم طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک، تردید در عملیاتی و اجرایی بودن آن است. قوانینی که مورد قبول اکثریت افراد جامعه نباشند و نسبت به آن توجیه کافی نشده باشند، عملاً قابلیت اجرا نداشته و در صورت اجرای با قهر و غلبه موجب انزجار و قانون‌گریزی افراد در آن مورد می‌شود که احترام و جایگاه قانون را در سایر موارد نیز متزلزل می‌سازد. افراد جامعه در بسیاری موارد نسبت به مزایای یک قانون توجیه و با تأمل در ابعاد آن قانون، مفاد آن را می‌پذیرند؛ هر چند برای آنها زحمت داشته باشد. به عنوان مثال پرداختن بستن کمربند ایمنی علیرغم اینکه اکثریت افراد جامعه به آن التزامی نداشتند لیکن به دلیل آگاهی از مزایا و محاسن آن، واکنشی نسبت به مفاد جرم‌های رانندگی نداشته و به تدریج نسبت به آن تمکین کردند. درحالی‌که در موضوع ماهواره یا چک‌های وعده‌دار، به دلیل توجیه نبودن و قانع نشدن نسبت به ضرورت تقنین، التزامی به رعایت آن نداشته و عملاً به قانون‌گریزی و شکستن حریم قانون گام نهادند.

در موضوع حیوانات نیز تا اکثریت جامعه قانع نشده و اقناعی نسبت به ضرورت ایجاد

محدودیت‌هایی در نگهداری و گرداندن حیوانات، صورت نگیرد بی‌تردید با توجه به افراد بسیار زیادی که اقدام به نگهداری حیوانات می‌کنند، قانون‌گذاری در این حوزه عملاً نتیجه مطلوب را نخواهد داشت.

۲-۷. تعمیم بی‌مورد برخورد با سگ‌گردانی به سایر حیوانات

نگهداری یا حمل و نقل و گرداندن و نیز تکثیر و تولید حیوانات اعم از حیوانات حلال‌گوشت خواه اهلی باشد (گاو و گوسفند) و خواه وحشی باشد (آهو و گوزن) و نیز حیوانات زینتی و حرام‌گوشت اعم از اهلی (گره) و وحشی (خرگوش و گرگ) به حکم اولیه منعی ندارد. حتی نسبت به سگ نیز تنها نسبت به معامله اقسام غیرمفید و فاقد منفعت آن، منع شده و معامله باطل آنها تلقی شده است. نسبت به نگهداری آن تنها روایاتی مختلفی وارد شده است که از مفاد آن بیش از کراهت نگهداری سگ استنباط نمی‌شود و بر فرض حرمت نگهداری، چنان‌که پیش از این گفته شد، این حرمت تنها ناظر به رفتار بایسته و شایسته یک فرد مسلمان بوده و فی نفسه - و فارغ از سایر عناوین - قابلیت جرم‌انگاری ندارد. روایاتی که در باب نگهداری سگ وارده است را می‌توان در چند دسته جای داد:

- در برخی روایات از نگهداری سگ به صورت مطلق - حتی سگ‌هایی که خرید و فروش آنها جایز است - نهی شده که از جمله این روایات، روایت سماعه است که در آن آمده: «سَأَلْتُهٔ عَنِ الْكَلْبِ يُمَسِّكُ فِي الدَّارِ قَالَ لَا؛ از ایشان (امام صادق) در مورد نگهداری سگ در منزل پرسیدم، امام فرمودند نگهداری نشود» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۴۳ از ابواب احکام الدواب، ص ۵۳۱، ح ۶). همچنین در روایت زراره از امام صادق (ع) چنین وارد شده است: «مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّخِذُ كَلْبًا إِلَّا نَقَصَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلٍ صَاحِبِهِ قِيرَاطٌ؛ هرکس سگی را نگه دارد، روزی یک قیراط از اعمال او کاسته می‌شود» (همان، ح ۵). چنان‌که ملاحظه می‌شود در روایت اول از نگهداری سگ در منزل نهی شده و در روایت بعدی مطلق نگهداری سگ - خواه در منزل یا خارج آن - نکوهش شده است. روایاتی از این دست را با توجه به روایات دیگر، حمل بر کراهت نگهداری سگ یا نگهداری سگ‌های غیرمنفعت‌دار یا نگهداری آن در همان محل زندگی انسان (بدون اینکه بین انسان و سگ حایل و فاصله‌ای قرار داده شود) شده است (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۵۱).

- در برخی روایات نگهداری سگ - به صورت مطلق - مکروه شمرده شده؛ از جمله در روایت حلبی از امام صادق (ع) آمده است: «يُكْرَهُ أَنْ يَكُونَ فِي دَارِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ الْكَلْبُ؛ کراهت دارد که در داخل خانه مسلمان سگی باشد» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۴۳ از ابواب احکام الدواب، ص ۵۳۱، ح ۷).

- در برخی روایات نیز نگهداری سگ‌های دارای منفعت، به صورت مطلق مجاز شمرده؛ چنان‌که در روایت سکونی از امام صادق (ع) آمده است: «أَنَّ النَّبِيَّ رَخَّصَ لِأَهْلِ الْقَاصِيَةِ فِي كَلْبٍ يَتَّخِذُونَهُ؛ پیامبر

اسلام به ساکنان آبادی‌های دور دست (یا ساکنان دور از آبادی) اجازه دادند تا سگ نگهدارند» (همان). بدیهی است که مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند که اجازه و رخصت دادن به ساکنان نقاط دور دست مطلق نبوده و شامل نگهداری سگ‌های هراش و فاقد منفعت مشروع و عقلایی نباشد؛ بلکه مقصود از روایت - ولو به قرینه روایات دیگر - نگهداری سگ‌های مفیدی مانند سگ‌های نگهبان است تا از جان، مال و حیوانات اهلی صاحبانشان نگهداری کنند؛ زیرا افرادی که به صورت منفرد در بیابان، صحرا و مزارع دور از آبادی زندگی می‌کنند، در معرض تعدی حیوانات درنده و متجاوزان و دست‌اندازان به اموال و نوامیس و جان خود هستند. پس طبیعی و عقلایی است که با نگهداری سگ، محافظانی برای خود داشته باشند.

در برخی روایات نیز نگهداری سگ‌های دارای منفعت، با شرایطی مجاز شمرده شده؛ از جمله در روایت جراح مدائنی از امام صادق (ع) آمده است: «لَا تُمْسِكُ كَلْبَ الصَّيْدِ فِي الدَّارِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بَابٌ سَگ شکاری را در داخل خانه نگهداری نکن مگر اینکه بین تو و آن سگ دری وجود داشته باشد» (همان، ص ۵۳۰، ح ۳ و ص ۵۳۱، ح ۴).

در سیره ائمه نیز برخورد با این موضوع صرفاً روشنگرانه و همراه با توصیه‌های اخلاقی بوده و از ابزارهای حقوقی - جز در مورد معامله سگ - استفاده نشده است و در آن موضوع نیز فقها با تنقیح مناط از روایت، جواز خرید و فروش را از سگ‌های شکاری به سگ گله (کیدری، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، ص ۲۴۴؛ سلا، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، ص ۱۷۰؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۳۲۹؛ علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۶؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ص ۱۰۳؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۱۳۵؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۳۶) نگهبان مزرعه، (علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۶؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ص ۱۰۳؛ شهید ثانی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ج ۳، ص ۱۳۵؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۳۶) سگ محافظ خانه (ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۳۲۹؛ علامه حلی، قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۶؛ شهید اول، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، ص ۱۰۳؛ نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص ۱۳۶) سگ‌های پلیس و هر سگ دیگری که منفعت عقلایی دارد (ر.ک: امام خمینی، المکاسب المحرمة، ج ۱، ص ۱۰۶؛ مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة - کتاب التجارة، ص ۶۲؛ فاضل لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - المکاسب المحرمة، ص ۴۰؛ سبحانی، المواهب فی تحریر أحکام المکاسب، ص ۱۸۲) تسری داده‌اند. یکی از مراجع معاصر در این خصوص می‌نویسد: «و همچنین سگ‌های دیگر امروزی که برای کارهای مختلف و مورد نیاز تعلیم دیده‌اند که از جمله آنهاست: سگ‌های پلیس؛ سگ‌های کشف

اجساد زیر آوار یا کشف مواد مخدر؛ سگ‌های نگهبان کودکان؛ سگ‌های تعلیم‌دیده برای خرید برخی اجناس و مانند آن. هر چند عبارات فقها در مورد خصوص سگ‌های سه‌گانه است، لیکن به نظر ما این حکم عام و کلی است» (مکارم شیرازی، أنوار الفقاهة - کتاب التجارة، ص ۶۲). حتی در نگهداری سگ‌های زینتی مانند نگهداری ماهی‌های اکواریومی و پرندگان زینتی، ممکن است منافع عقلایی مانند لذت سمعی و بصری وجود داشته باشد و حرمت نگهداری و خرید و فروش آن خالی از مناقشه نباشد. با این حال صرفاً به دلیل اینکه حشر و نشر داشتن با سگ‌ها و همجواری با آنها تقلید از فرهنگ غربی و ترویج آن به شمار می‌رود، می‌توان محدودیت‌هایی در نگهداری، گرداندن و تکثیر و واردات آنها وضع نمود؛ اما نباید مواد پیشنهادی به گونه‌ای باشد که ایجاد حساسیت نماید.

۸-۲. لزوم قانون‌گذاری به زبان قابل فهم (نظم عمومی، بهداشت و...)

به نظر می‌رسد برای مقبولیت یافتن طرح و امکان اجرایی شدن آن و نیز کمتر کردن واکنش‌های منفی نسبت به آن، ادبیات مواد پیشنهادی به گونه‌ای باشد که برای افراد جامعه قابل فهم و پذیرش بوده و دستاویزی برای رسانه‌های معاند برای حمله به طرح و موج‌سازی‌های کاذب علیه طرح نباشد. در بسیاری از نقاط دنیا بدون اینکه حساسیت زیادی برانگیخته شود با وضع قوانین و مقرراتی امور مربوط به حیوانات را ساماندهی کرده‌اند. همه افراد جامعه و همه نظام‌های حقوقی در برخورد با هر عاملی که بهداشت و سلامت عمومی را به مخاطره بیندازند و یا موجب وحشت برخی از افراد جامعه شده یا نظم عمومی را مختل سازد اتفاق نظر دارند؛ همچنان‌که در زشتی و لزوم برخورد با هر رفتاری که موجب آزار و اذیت دیگران باشد، هم‌نظرند. برخورد با مالکان این گونه نگهداری حیواناتی که واجد یکی از این خصیصه‌ها بوده و جهت برخورد و تقنین نیز صرفاً این امور باشد، پذیرش و مقبولیت خواهد داشت؛ چه آنکه به زبان مردم سخن گفتن شیوه انبیاست (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه).

۹-۲. عدم تعیین تکلیف نسبت به سگ‌های ولگرد درون شهرها

در بند ۱۵ ماده ۵۵ قانون شهرداری، وظیفه «جمع‌آوری حیوانات بلاصاحب و دفع حیوانات مریض و مضر و ولگرد و ممانعت از چرا و گردش چارپایان و احشام در شهر و دفع و اتلاف حشرات» در شهرها بر عهده شهرداری‌ها و بر اساس دستورالعمل کنترل جمعیت سگ‌های ولگرد مصوب ۱۳۸۷ و بند ۳۱ ماده ۱۰ اساسنامه تشکیلات سازمان دهیاری‌ها مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۲۱ در روستاها بر عهده دهیاری گذاشته شده است. با این حال و با عنایت به اینکه بسیاری از صدمات وارده از سوی این حیوانات بوده و غالباً امور بهداشتی و سلامتی از این ناحیه تهدید می‌شود، بهتر است در ساماندهی به امور حیوانات، به این مهم نیز پرداخته شود؛ به‌ویژه آنکه در دستورالعمل مربوط به دهیاری‌ها، نسبت به رفع حیوانات

مبتلا به امراض واگیر، بلاصاحب یا مضر، تکلیف شده است و در این دستورالعمل، هم به جهت جایگاه قانونی نداشتن و هم به جهت عدم شمولیتش نسبت به تمامی سگ‌های ولگرد، قابل استناد نبوده و یا دست کم در قابل استناد بودن آن در محاکم اتفاق نظر وجود ندارد. از این رو تعیین تکلیف سگ‌های ولگرد و حتی حیوانات وحشی که به حریم شهرها و روستاها نزدیک یا وارد شده‌اند، ضروری به نظر می‌رسد تا ضمن ایجاد تکلیف قانونی قوی برای شهرداری‌ها یا دهیاری‌ها، ضمانت اجرای متناسب نیز برای خوددرای از انجام این وظیفه قانونی اندیشیده شود.

۱۰-۲. احاله تعیین تکلیف حیوانات ضبط‌شده به کمیته

یکی از خلأهای طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک عدم ورود به تعیین تکلیف حیوانات ضبط‌شده و واگذارن آن به کمیته است. در حالی که در این مورد مهم به دلیل هزینه‌ها و تبعات اجتماعی آن، بسیار محتمل است که سازمان‌ها و نهادها از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. بنابراین لازم است نهاد یا سازمانی که مکلف به جمع‌آوری این حیوانات هست مشخص شده و همچنین هزینه‌های نگهداری، محل نگهداری و سازمان متولی این امر نیز لازم مشخص شود؛ کما اینکه لازم است سازوکارهای مربوطه پس از جمع‌آوری (که آیا باید معدوم شوند یا به کشورهای دیگر صادر شوند یا عقیم‌سازی شوند و در طبیعت رها شوند یا...) تعیین تکلیف نشده است. بدون تعیین تکلیف این امور مهم در خود طرح، اجرای طرح عقیم خواهد ماند. معلوم نیست کمیته مزبور از چنان قدرت اجرایی برخوردار باشد که بتواند نهادها را ملزم به مصوبات خود کند. علاوه بر آن ضمانت اجرای تصمیمات این کمیته مشخص نیست و از همه مهم‌تر اینکه واگذاری اتخاذ تصمیم به کمیته‌های شهرستانی باعث به وجود آمدن رویه‌های مختلف در شهرستان‌های مختلف شده و یکپارچگی اجرای قانون را به مسخ خواهد برده و اجرای قانون سلیقه‌ای و از شهری به شهر دیگر متفاوت خواهد شد.

پیشنهادهات

با عنایت به آنچه در بخش کلیات بیان شد، پیشنهاد می‌شود به جای ماده این طرح مواد ذیل جایگزین شود:

ماده ۱. نگهداری، حمل و نقل، گرداندن، تکثیر، پرورش و واردات حیوانات وحشی و خطرناک از قبیل مار، تمساح، گرگ یا پلنگ، خواه در محیط‌های شهری باشد یا روستایی ممنوع بوده و مرتکب به مجازات ... محکوم می‌شود. در صورتی که مرتکب برای این امور مجوز قانونی دریافت و مطابق مقررات عمل کرده باشد، مشمول مجازات مذکور در این ماده نخواهد بود.

تبصره: مجوزهای مربوطه از سوی مراجع سه‌گانه سازمان محیط زیست، سازمان دامپزشکی و

وزارت بهداشت صادر خواهد شد. نحوه صدور مجوز و نظارت بر مراکزی که مجوز دریافت کرده‌اند به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که ظرف شش ماه توسط ... تهیه و به تصویب ... می‌رسد.

ماده ۲. نگهداری حیوانات اهلی و زینتی مشروط به آنکه موجب آزار و اذیت دیگران نشده و سلامت دیگران یا بهداشت عمومی را به مخاطره نیندازد، مجاز است.

تبصره: در شهرهای دارای جمعیت بیش از ده هزار نفر، مالکان حیوانات اهلی از قبیل گاو و گوسفند و نیز صاحبان سگ‌ها - اعم از زینتی و غیر آن - موظفند کارت سلامت برای حیوانات مزبور اخذ نمایند. متخلف از این امر، به جزای نقدی درجه ... محکوم خواهد شد.

۳. گرداندن و حمل و نقل حیوانات اهلی و زینتی در معابر و مکان‌های عمومی شهری به نحوی که موجب سلب آسایش دیگران شده یا مخل به نظم عمومی بوده یا برخلاف مقررات بهداشتی باشد یا برخلاف مقررات ناظر به حمل و نقل و گرداندن باشد، ممنوع بوده و مرتکب به مجازات ... محکوم می‌شود.

تبصره - آیین‌نامه مربوط به چگونگی حمل و نقل و گرداندن ایمن و بی‌خطر حیوانات مربوطه که مخل نظم و آسایش و برخلاف مسائل بهداشتی و نیز حق بر دینداری نباشد، و همچنین چگونگی پرورش، تکثیر واردات و صادرات این حیوانات توسط معاونت حقوقی قوه قضاییه با همکاری وزارت کشور، فراجا، وزارت بهداشت و درمان سازمان دامپزشکی ظرف شش ماه پس از ابلاغ این قانون تهیه و به تصویب ... می‌رسد.

۲. ملاحظات موردی مواد

درخصوص مواد طرح صیانت از حقوق عامه در برابر حیوانات مضر و خطرناک نکات ذیل شایان توجه است:

۱. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: از چهار نوع حیوان نام برده شده است: حیوانات مضر، خطرناک، غیرمتعارف و نجس؛ حیواناتی مانند گربه، خرگوش و لاک‌پشت را نمی‌توان جزو هیچ‌یک از اقسام فوق دانست. از سوی دیگر صرف اینکه ممکن است بیماری‌هایی از حیوانات به انسان منتقل شود، موجب نمی‌شود که به این حیوانات مضر گفته شود؛ چه اینکه از شتر، مرغ، گوسفند و گاو هم برخی بیماری‌ها به انسان سرایت می‌کند و این ویژگی باعث نمی‌شود به شتر یا گاو حیوان مضر گفته شود.

۲. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: از نظر شرعی نگه‌داری هیچ‌کدام از مصادیق حیوانات خانگی مانند گربه و یا حیوانات غیروحشی غیرخانگی مانند خرگوش و لاک‌پشت و بلکه نگهداری حیوانات وحشی و خطرناک مادامی که مالک قدرت بر حفظ و مراقبت از آنها را داشته باشد، حکم تکلیفی حرمت را ندارد. بنابراین این توسعه در ممنوعیت فاقد وجاهت شرعی است. علاوه بر اینکه از نظر شرعی دلیلی بر حرمت

نگهداری وجود ندارد از نظر تقنینی هم مصلحتی در توسعه عناوین مجرمانه وجود ندارد. چه منطقی وجود دارد که ما شخصی را که به نگهداری گربه یا سگ علاقه دارد، و نگهداشتن آن حیوان نه موجب ایذا هست و نه تهدیدکننده سلامت و بهداشت و نه مخل به نظم عمومی، مجرم تلقی کنیم؟

۳. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: عبارت سایر حیوانات درست نیست؛ زیرا به غیر از سگ تنها یک حیوان نجس دیگر وجود دارد که خوک است. بنابراین عبارت «سایر حیوانات» که ظهور در بیش از یک حیوان دارد، صحیح نمی‌باشد و از لحاظ نگارشی هم به جای عبارت طولانی سایر حیوانات نجس العین، از عبارت خوک استفاده شود (البته این در صورتی است که بنا باشد ماده به همین شکل باقی بماند).

۴. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: فرق تولید و تکثیر مشخص نیست. اگر مراد از تولید همان تکثیر باشد، ایرادی بر ماده وارد نیست، مگر از جهت نگارشی که دو واژه مترادف را کنار هم ذکر کرده است و اگر مقصود از تولید چیز دیگری باشد در این صورت این ایراد وارد است که اصولاً تولید که از ماده ولادت است مربوط به خود حیوان است این حیوان است که حیوان دیگر را تولید می‌کند نه انسان‌ها. لذا بهتر است این عبارت حذف و عبارت تکثیر و پرورش باقی بماند.

۵. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: در طبیعت چیزی به اسم حیوان نامتعارف وجود ندارد. حیوانات از این جهت که مخلوق پروردگار بوده و وجودشان در چرخه طبیعت لازم است، همگی در جهان هستی متعارفند. بله نگهداری یک حیوان مانند خرس می‌تواند نامتعارف باشد ولی خود آن حیوان هیچگاه نامتعارف نیست. بنابراین لازم است عبارت ماده اصلاح شود. ممکن است به حیوانی مانند گرگی که دو سر دارد بگوییم نامتعارف است لیکن این نوع نامتعارف مقصود نویسندگان طرح نیست که اگر چنین باشد گوسفند دو سر هم حیوانی نامتعارف خواهد بود.

۶. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: با توجه به درجه‌بندی مجازات‌ها، بهتر است گفته شود به جزای نقدی درجه ... محکوم می‌شود.

۷. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: مجازات در نظر گرفته‌شده بسیار زیاد و غیرمتناسب است و عملاً برای بسیاری از افراد امکان پرداخت آن وجود نخواهد داشت. در صورت ابقای ماده به همین شکل، به هیچ عنوان امکان اقناع افکار عمومی وجود نخواهد داشت که شهروندی را به خاطر نگهداری یک لاک‌پشت یا گربه یا خرگوش به چنان مجازات سنگینی محکوم کنیم که چه بسا قادر به پرداخت آن نبوده و راهی زندان شود.

۸. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: به چهار نوع حیوان اشاره شده که نگهداری و ... ممنوع است (وحشی، خطرناک مضر، نامتعارف) در حالی که در عنوان طرح تنها حیوان مضر و خطرناک آمده است (مفاد طرح مطابقت با عنوان طرح ندارد).

۹. ماده ۶۸۸ مکرر ۱: تعبیر نجس‌العین، تعبیر مناسبی برای تقنین نیست. بحث طهارات و

نجاسات مادام که عنون دیگری مانند تهدید بهداشت و سلامت به آن ضمیمه نگردد، امری کاملاً شخصی بوده و جایگاهی در تقنینی ندارد.

۱۰. در ماده ۶۸۸ مکرر ۱ بهتر است مانند برخی از طرح‌های قبلی، اعمال مجازات به صورت مرحله‌ای باشد. به عنوان مثال در مرحله اول به مرتکب تنها تذکر داده شود (یا مجازات خفیفی در نظر گرفته شود) و در مرحله بعدی مجازات نقدی و نهایتاً ضبط حیوان و مجازات نقدی بیشتر.

۱۱. در خصوص مفاد تبصره یک ماده ۶۸۸ مکرر ۱ به نظر می‌رسد علاوه بر روستاییان و عشایر که نگهداری حیوانات توسط آنها نیاز به مجوز خاص ندارد، نسبت به نگهداری حیوانات در شهرهای کوچک به خصوص شهرهایی که هنوز بافت روستایی داشته و نگهداری حیوانات متعارف و مورد نیاز است و همچنین نگهداری سگ در ویلاهای درون شهری و یا باغ‌های اطراف شهرها نیز باید چنین رویکردی اتخاذ و نگهداری نیازی به مجوز نداشته و اصل بر جواز نگهداری باشد.

۱۲. تعیین تکلیف حیوانات موضوع تبصره ۲ ماده ۶۸۸ مکرر ۱ نباید در کمیته شهری صورت گیرد. بلکه باید به موجب آیین‌نامه‌ای باشد که به تصویب یک مرجع و نهاد معتبر رسیده است. ترجیح آن است که تنظیم مقررات مربوطه حتی به آیین‌نامه نیز موکول نشده و در خود این طرح زوایای مختلف موضوع (مستول جمع‌آوری، محل نگهداری پس از ضبط، هزینه‌های نگهداری و ...) مشخص شود تا رویه‌های مختلف در کشور شکل نگیرد.

۱۳. نسبت به تبصره ۲ ماده ۶۸۸ مکرر ۱ مشخص نشده است که آیا امکان تجدیدنظرخواهی از تصمیمات کمیته‌های شهری وجود دارد یا خیر و اگر چنین امکانی وجود دارد مرجع تجدیدنظرخواهی کجاست؟

۱۴. در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ مکرر ۱ عبارت «اشخاص حقیقی و حقوقی یا متقاضی استفاده» صحیح نبوده و عبارت «اشخاص حقیقی و حقوقی متقاضی استفاده» صحیح است؛ زیرا شخص متقاضی یا حقیقی است یا حقوقی و قسم ثالثی در برابر دو قسم قبلی نیست.

۱۵. در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ مکرر ۱ یکی از وظایف کمیته تعیین تکلیف برای حیوانات ضبط و مصادره شده است که ابهام دارد. فارغ از اینکه فرق ضبط و مصادره مشخص نیست، اصولاً در این طرح جایی به مصادره حیوانات اشاره نشده است که کمیته بخواهد نسبت به آنها تعیین تکلیف کند.

۱۶. در ماده ۶۸۸ مکرر ۲ عبارت «حیوانات موضوع این قرارداد» نادرست بوده و عبارت «حیوانات موضوع این قانون» صحیح می‌باشد. همچنین در عبارت «نگهداری حیوانات یا شده» و نیز عبارت «مستأجرین متسقلاً به جزای» اغلاط تایپی وجود دارد.

۱۷. در ماده ۶۸۸ مکرر ۳: اگر هویت گزارشگر اهمیتی ندارد و مهم مبارزه با این پدیده هست، چه فرقی بین این است که همسایه گزارش بدهد یا غیرهمسایه؟ حتی اگر فلسفه مقابله با حیوانات از باب

ایدا و بهداشت و اخلاق در نظم عمومی باشد، باز هم فرقی بین همسایه و غیرهمسایه نیست به دلیل اینکه ممکن است حیوان برای مغازه‌های اطراف و یا سایر شهروندان ایجاد مزاحمت نمایند. علاوه بر آن مشخص نیست که چرا صرفاً محتوای گزارش به نگهداری محدود شده و امکان گزارش دادن شامل گرداندن نمی‌شود. اگر معیار گزارش فقط نگهداری باشد و آن هم از سوی همسایگان، به گزارش افراد دیگر ترتیب اثر داده نخواهد شد که چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

۱۸. در ماده ۶۸۸ مکرر ۴ توقیف سه ماهه یک تاکسی مثلاً در این شرایط حاد اقتصادی مبتنی بر کدام مصلحت‌سنجی است؟ راننده‌ای که به دلیل مشکلات اقتصادی و چه بسا علی‌رغم طیب نفس و رضایت باطنی خود، مانع سوار شدن کسی که سگ یا حیوان دیگری را به همراه دارد، نشده است آیا مستحق چنین مجازات سنگینی است؟ چنین مجازاتی حتی نسبت به مالکین خودروهای شخصی نیز موجه به نظر نمی‌رسد. علاوه بر ایراد پیش‌گفته این ابهام نیز وجود دارد که آیا مفاد این ماده شامل وسایل نقلیه عمومی هم می‌شود یا خیر؟ در صورتی که اطلاق این ماده شامل موارد مذکور نیز بشود، اشکال ماده جدی‌تر خواهد بود.

۱۹. در ماده ۶۸۸ مکرر ۴ مجازات مالک در عرض حامل ذکر شده است. ماده برای سه شخص مجازات وضع کرده: مالک، حامل، راننده که او هم به تعبیری نوعی حمل‌کننده است. مفاد این ماده - که به احتمال بسیار زیاد، مصادیق فراوانی خواهد داشت - دارای ابهام است که آیا در صورتی که مالکی با رضایت خود حیوانش را به شخص ثالثی بدهد و شخص ثالث حیوان را به خارج منزل برده و در مسیر سوار تاکسی شود، آیا هر سه مجرم بوده و مجازات می‌شوند؟ اگر چنین است چرا در ماده عبارت «مالک یا حامل حیوان» آمده است؟ آوردن حرف «یا» بدان معناست که یکی از دو نفر (مالک یا حامل) مجازات می‌شود نه هر دوی آنها. در صورت ابقای ماده به همین صورت، بهتر است عبارت ماده این‌گونه باشد: «در صورت حمل و گردانیدن حیوانات موضوع این قانون با وسایل نقلیه، علاوه بر مجازات حامل حیوان، مالک آن نیز در صورت اطلاع و رضایت از حمل و گرداندن حیوان و نیز راننده خودرو نیز به جزای نقدی تعیین‌شده در این قانون محکوم...».

۲۰. در ماده ۶۸۸ مکرر ۴ اطلاق ممنوعیت حمل حیوان حتی شامل مواردی که یک روستانشین سگ یا حیوانی را برای فروش یا مداوا به شهر آورده است نیز می‌شود و این صحیح نیست؛ زیرا اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز می‌باشد (وقتی نگهداری و استفاده از سگ در محدوده فعالیت جایز باشد، لوازم این اذن قانونی نیز باید دیده شود). قابل ذکر است که تبصره یک صرفاً استفاده از سگ را در محدوده فعالیت عشایر و روستانشینان جایز شمرده است. از این رو خارج از آن محدوده مشمول ممنوعیت بوده و مرتکب، مجرم شناخته خواهد شد.

۲۱. به نظر می‌رسد در مواردی که لازم است برای نگهداری یا حیوان محدودیتی‌هایی وضع شود،

در همان موارد، برای ترویج و تبلیغ نگهداری آن حیوانات و نیز انجام امور واسطه‌گری در خرید و فروش این حیوانات از هر طریق خصوصاً از طریق فضای مجازی (مانند سایت‌هایی مانند دیوار و شیپور) جزای نقدی تعیین گردد.

۲۲. چنانچه در متن ماده یک مکرر تغییراتی صورت نگیرد و این متن به همان صورت باقی بماند، ایرادات دیگری نیز بر این طرح وارد است؛ از جمله اینکه:

- نگهداری گربه نیز که به صورت معمول مورد نیاز روستاییان و عشایر است باید جزو استثنائات باشد مثل سگ.

- واقعاً معقول است که برای نگهداشتن یک خرگوش یا گربه یا لاک‌پشت دادستان شهر و به دنبال آن یک کمیته و انجمن هفت‌نفره ورود کنند که مجوز نگهداری بدهند یا نه.

منابع

۱. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۲۹ ج، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۴. محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۴ جلد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، دوم، ۱۴۰۸ ق.
۵. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ۳ ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ ق.
۶. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ ج، دار إحياء التراث العربی، بیروت، هفتم، بی تا.
۷. امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، ۲ ج، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، اول، بی تا.
۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵ ج، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، اول، ۱۴۱۲ ق.
۹. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعه (للشیخ المفید)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه، قم، اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ ج، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، سوم، ۱۳۸۷ هـ ق.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۰ ج، کتابفروشی داورى، قم، ۱۴۱۰ هـ ق.
۱۲. فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، ۴ ج، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷ هـ ق.
۱۳. فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام، ۱۱ ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶ هـ ق.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحدیث)، ۱۴ ج، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.
۱۵. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - الحدیث)، ۲۳ ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۹ هـ ق.
۱۶. محقق بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۵ هـ ق.

۱۷. النوادر، سید فضل الله راوندی.
۱۸. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام (للسبزواری)، ۳۰ج، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم، چهارم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۰. کیدری، قطب الدین، محمد بن حسین، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۱. سار، حمزه بن عبد العزیز، المراسم العلویة و الأحكام النبویة، در یک جلد، منشورات الحرمین، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۲. ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ج، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۳. شهید اول، محمد بن مکی، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، در یک جلد، دار التراث - الدار الإسلامیة، بیروت، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۴. امام خمینی، سید روح الله موسوی، المكاسب المحرمة (للإمام الخمينی)، ۲ج، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، قم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة - کتاب التجارة (لمکارم)، در یک جلد، انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۶. فاضل لنکرانی، محمد موحدی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - المكاسب المحرمة، در یک جلد، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ۱۴۲۷ ه.ق.
۲۷. سبحانی، جعفر، المواهب فی تحریر أحكام المكاسب، در یک جلد، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۴ ه.ق.